



۲۰۱۸/۰۳/۰۷

اسم مؤلف

به پیشواز از هشتم مارچ روز همبستگی زنان جهان زنان افغانستان و سنت و تبعیض جنسیت

۱ - سنت چیست؟

نا برابری جنسی که از شروع تاریخ بشریت تا امروز افراد جامعه را همراهی می کند؛ در زمان های مختلف شرایط فرهنگ در تغییر بوده است و این نابرابری های جامعه از یکی به دیگری منتقل شده است.

دانشمندان، هجو (ابوت، پاملا، ۱۳۷۶، ص ۴۹). الپرت نابرابری جنسی و تبعیض اجتماعی زن در جامعه مردسالار را تحت تأثیر عوامل فرهنگی و خانوادگی می بیند زیرا فرد را کاملاً محصول شرایط اجتماعی می داند. (الپرت، ۱۹۵۴). حال با توجه به نظریات دو صاحب نظر که در يك جامعه غربی معتقد اند ادعای قوانین در آن دو جوامع به این است که تبعیض علیه زنان وجود ندارد می بینیم که در عمل نابرابری جنسیتی وجود دارد و تابع فرهنگ جوامع است.

به این اساس نابرابری جنسی که در کشور ما ریشه عمیق دارد با روح مردم ما با خون ورگ آنان عجین است و بصورت قطعاً بنیاد این نابرابری روز تا روز و بیشتر از پیش رشد و توسعه می یابد.

در جامعه ای که مردم ما زندگی دارند ادامه زندگی در خلاء سنت و مدرنیته معلق است و فرد نمی تواند با نابرابری که با خشم در عمق ابعاد این جامعه جاگزین است بیشتر در مقاومت بپردازند و مبارزات نهاد های مدنی هم چندان تأثیر بیشتر ندارد زیرا:

در کشور ما بیشتر زنان و مردان در تقابل همدیگر قرار دارند و کمرنگی زنان و مشارکت های اجتماعی شان بسیار در سطح پایین و ناچیز قرار دارد، حتی مکاتب دختران و پسران جدا است؛

- دختران در دوره کودکی به فروش می رسند و به زنی مردان بزرگ سال داده می شوند.

- بیسوادی بیشتر زنان نسبت به مردان و غیره مشکلات که در بحث جا داده شده است.

- ازدواج های جبری؛

- حجاب و چادری زنان؛

- حاکمیت و تصاحب بی قید و شرط زن توسط شوهر یا مردان خانواده به نام ناموس؛

- حق طلاق و حق اولاد بعد از طلاق (مردان)؛

- و غیره مشکلات که تك شماری این صفحه گنجایش آنرا ندارد.

به این اساس در آغاز به معرفی سنت و تبعیض می پردازیم

سنت و یا تبعیض در اصل دو معنای متغیر دارند ولی در تأمین روابط اجتماعی افراد با هم در تنگاتنگ ارتباط مستقیم دارند.

۲ - فرهنگ یا سنت چیست؟

گرچه فرهنگ بیشتر از ۴۰۰ تعریف مختلف دارد؛ ولی در عصر اوستا فرهنگ چنین به معرفی گرفته شده است :

- فرهنگ یا سنت از کلمات (فر و هنگ) ترکیب شده است.

"فر" به معنای پیش و "هنگ" به معنای کشیده شده، یعنی پیش کشیدن یا فرا کشیدن است و یا مجموع عنعنات، رسوم، مذهب حاکم در جامعه فرهنگ آن است.

و یا در برخی تعاریف، فرهنگ در برگیرنده اعتقادات، ارزش ها و اخلاق و رفتارهای متأثر از این سه، و همچنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین تعریف می شود. در گونه دیگر از تعاریف، آداب و رسوم شالوده اصلی فرهنگ تلقی می شود و صرفاً ظواهر رفتارها، بدون در نظر گرفتن پایه های اعتقادی آن، به عنوان فرهنگ یک جامعه معرفی می گردد.

و بالاخره در پاره دیگر از تعاریف، فرهنگ به عنوان «عاملی که به زندگی انسان معنی و جهت میدهد» شناخته میشود.

و اما از دیدگاه جامعه شناسی علمی:

فرهنگ عبارتست از مجموعه ارزش های مادی و معنوی جامعه بشری که در جریان فعالیت اجتماعی - تاریخی آن ایجاد شده است. فرهنگ فعالیت خلاق انسان ها را برای به وجود آوردن این ارزش ها و نحوه کسب و انتقال آنها را نیز در بر می گیرد.

فرهنگ دارای دو جانب بهم پیوسته است: فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی.

فرهنگ مادی عبارتست از مجموعه وسائل تولیدی، تکنیک، تجربه تولید و سایر ارزش های مادی که یک جامعه در هر مرحله از تکامل تاریخی خود در اختیار دارد.

فرهنگ معنوی مجموعه ای دستاورد های جامعه را در همه زمینه های علم و هنر و اخلاق و فلسفه [ایده نولوژی سیاسی و حقوقی و مذهبی تشکیل می دهد.

(واژه های سیاسی و اجتماعی - مؤلف امیر نیک آئین)

تبعیض چیست؟

- تبعیض معیارهای نا برابری اجتماعی و موقعیتی میان افراد جامعه می باشد که افراد جامعه در تأثیر آن دارای

حقوق مساوی نبوده و تحرك اجتماعی یکسان برای افراد در جامعه وجود ندارد.

تبعیض انواع مختلف دارد مانند تبعیض جنسی، تبعیض مذهبی، تبعیض نژادی و تبعیض سنی که تبعیض ضد شایسته سالاری و گونه ای از ستمکاری است.

گر چه تبعیض برای مرد و زن در جامعه و در مجموع مردم و یا افراد جامعه اصطلاح ناخوش آیند و دارای مبحث وسیعتر است؛ ولی موضوع بحث ما زنان است؛ در این بحث نقش و تأثیرات سنت و تبعیض در جامعه ما را با زنان افغانستان در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی مورد ارزیابی قرار می دهیم.

- تبعیض جنسیت در افغانستان:

زنان کشور که سال هاست از نداشتن حقوق مساوی رنج می برند و متقبل درد ها و زخم های بیشتر از جنس مخالف خود (مردان) می شوند آنقدر آنان به بی رحمی مورد اذیت قرار می گیرند که صفحات این دفتر چه بیشتر گنجایش به تک شماری آن را ندارد و بسنده نیست، ما مختصراً در مورد معلومات ارائه کرده و به مثال هایی که از حقیقت زندگی زنان در جامعه نشأت کرده، اکتفا و اتکا می نماییم و باید به سؤال هایی پاسخ دهیم:

- چرا تعدادی بیشترین زنان افغانستان این یوغ زور و ظلم را به گردن نهاده و آن را به دوش می کشند؟
- چرا در کشور ما با زنان بیشتر به گونه سنتی و با شیوه و رسم عصر حجر، برخورد صورت می گیرد؟
درابتداء تطبیق سنت بیشتر بالای زنان در جامعه سنتی ما بحث جنجال برانگیز و پردغدغه است - در کشور سنتی ما فاصله بین زنان و مردان که شکاف بزرگ میان مرد و زن به شکل عمیق بیشتر است؛ دو عامل دارد:
منابع قدرت در "حوزه سیاسی" و "حوزه اقتصادی".

طبق ایده نولوژی جنسی در جامعه ما بیشتر این دو حوزه به مردان تعلق می گیرد و سهم زنان در این دو حوزه ضعیف است. از انجایی که اقتصاد، به عنوان منبع درآمد، خود یکی از شاخص های مهم میان زن و مرد می باشد اکثریت حتی به طور کل می توان گفت در کشور ما بیشترین حق تحصیل به مردان تعلق می گیرد و زنان که بیشتر از همه از نعمت سواد محروم مانده اند؛ خود یکی از مشکلات سنتی و تبعیض میان زن و مرد در کشور را می توان به صراحت مشاهده کرد. به این ملحوظ کرسی های پر درآمد و چوکی های بلند در تمام عرصه ها، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به مردان تعلق دارد که مردان عواید بیشتر به دست می آورند که این برخورد ها و عدم نا برابری اقتصادی و فرهنگی، زنان و مردان را به میان می آورد. زیرا در قوانین کشور ما بیشتر اشتغال در عرصه فرهنگ و اقتصاد را حق مردانه دانسته و وظائف رایگان خانوادگی را حق زنانه می دانند؛ ولی به طور رسمی و قانونی این حق به هر دو جنس تعلق می گیرد در حالیکه در عمل اولویت بیشترین و حتی همه شانس ها در استخدام و فرصت های اقتصادی و فرهنگی به مردان تعلق دارد و تعیین مردان در پست های بلند و یا فراگیری تحصیلات عالی و مسلکی بدون هیچ مخالفتی قابل اجرا است. حتی اشتغال زنان توسط شوهران (مردان) که خود محدودیت های جنسی را به بار می آورد و اندازه بیکاری، بیسوادی، مشارکت زنان در اجتماع در سطح نازل قرار می گیرد که این همه یکی از طرز و شیوه های برخورد قوانین و سنت حاکم در جامعه ماست که نابرابری و خشونت علیه جنسیت زنان را در کشور بلند برده و ما شاهد صدها خشونت علیه زنان هستیم. از لت و کوب گرفته تا قطع اعضای بدن و سنگسار شان که متأسفانه مثال های بیشتر را با خود داریم که از جمله می توان قتل و سنگسار فرخنده ملکزاد توسط مردان در کابل، گوش و بینی بریدن زرینه در ولایت جوزجان، سنگسار رخشانه در ولایت غور و هزاران دیگر در جمع گمنام ها می توان نام برد.

بدبختانه سال های دراز است که زنان افغانستان با چنین نابرابری ها دست به گریبان هستند با وجود تلاش های نهاد های مدنی در داخل و خارج از کشور روز تا روز خشونت علیه زنان تبعیض در تمام عرصه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جامعه ما ریشه عمیق داشته و مبارزه علیه این پدیده منفور را محدود ساخته است.

با وجود همه دشواری ها تلاش نهادها با حمایت ملل متحد؛ هنوز هم زنان در این قید و بند نظام مرد سالاری هستند و خشونت علیه زنان به شکل فاجعه بار آن ادامه دارد.

بنا بر آن ما نمی توانم تبعیض را در کشور ما از سنت جدا سازیم. زیرا بنا بر عوامل ذکر شده و یا هم بیشترین عوامل دیگر که کنجایش این بحث را ندارد با هم پیوند مستقیم دارد و تا زمانیکه کشور از شکل سنت محکوم و فلاکت بار کهنه نجات نیابد تبعیض به شکل وحشتبار در آن جامعه با قوت خود باقی خواهد ماند.

طرز المل ها و رهنمود ها در زمینه نقش مساویانه زنان و مردان در جامعه چیست؟

در قدم اول تصویب و تطبیق قوانین کشور در زمینه برچیدن بساط شگاف موجود جنسیتی در موارد مختلف و اتخاذ تدابیر در موارد آتی:

○ رشد و ارتقای دانش و سطح توانمندی زنان در عرصه های مختلف، علیه زندگی تبعیض آمیز؛
○ ایجاد نهادهای مدنی زنان و حمایت از تمام حقوق و آزادی های زنان در چوکات قانون؛ به منظور تأمین عدالت اجتماعی و عرضه کردن خدمات اجتماعی اعم از حق تحصیلات، حق ازدواج، حق طلاق با حفظ حق اولاد، حق مشارکت حق آموزش و توجه جهت رشد استعداد های زنان در تمام بخشها و غیره می باشد.
نکات یاد آوری شده رهنمودها و یا راه های بیرون رفت جهت تنزیل وضعیت بد خشونتبار زنان کشور ما می باشد. ولی از جانب دیگر با تطبیق رهنمودهای بیشتر به مشکلات سنت کشور بر می خوریم که تعدادی با وجود دسترسی با این حق نمی توانند از آن استفاده مؤثر نمایند. زیرا ممانعت های خانوادگی از سنت عقب مانده که به میراث رسیده است و زیر نام عزت و غیرت بانوان خانواده را مورد خشونت قرار می دهند و از مشارکت شان در اجتماع و فراگیری تحصیلات و تعلیمات مسلک جلوگیری می کند.

○ توجه به بلند بردن سطح آگاهی تمام اقشار جامعه صورت گیرد تا مردان، زنان را به حیث باشندگان متساوی الحقوق پذیرفته و آنان را برابر با خود دانسته و قبول نمایند

○ نقش رسانه ها، نهادهای مدنی در آموزش و آگاهی مردم و همچنان از طریق همین رسانه ها نقد سیاست های ارگان های دولتی و قوانین نافذ که زن را در جامعه به نام جنس دوم می پندارند؛ این نقد ها و اعتراض ها ارزنده است.

○ و همین طور نقش قانون گزاران و ملل متحد با فشارها و حمایت های بین المللی در راستای رفع تبعیض جنسی قابل لمس و مؤثر است و وظیفه دارند تا درهای بسته را به روی بانوان باز کنند و زن توانایی و صلاحیت پا بیرون گذاشتن را بدون اجازه شوهر و یا مرد فامیل داشته باشد و این حق انسانی را از آن ایشان سازند تا جهت فراگیری آموزش و تبارز استعدادهای شان در جامعه و پرورش و سهم شان در اجتماع و حمایت خود بانوان از همدیگر شان مجال فعالیت خلاق را داشته و راه را برای رشد آتی آنان باز سازد.

زیرا بیرون رفتن بانوان از خانه و سهم شان در اقتصاد، اجتماع، تعلیم و معرفی و استخدام شان در بازارکار؛ یکی از مهمترین راه رسیدن به حقوق مشروع شان است.

○ زنان جامعه باید خود به دنبال قوانین شفاف در پیوند با توانمندی های خود و سیستم حاکم با استفاده این توانمندی ها باشند در غیر آن حق داده نمی شود حق باید گرفته شود که نقش خود زنان جهت دستیابی به حقوق شان ارزنده است.

هموطنان عزیز!

امید وار استم این مقاله که از تجارب و کار با زنان جهت استفاده شما عزیزان تهیه شده مورد استفاده سودمندتان قرار گیرد.

زرغونه "ولی" جرمنی ۲۰۱۸/۰۱/۰۱

